

تحلیلی نقدگونه بر ادله اهل سنت در عدم وجوب خمس (تجارت)

مهدی فرمانیان^۱، محمد معینی فر^{۲*}

۱. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

۲. دانشجوی دکتری و پژوهشگر پژوهشکده دانشگاه ادیان و مذاهب

(تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۶)

چکیده

یکی از فرایضی که در شیعه به آن اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود، پرداخت خمس است. اهل سنت معتقدند در قرآن تنها یک آیه در مورد خمس آمده است، پس اهمیت خاصی ندارد و همان یک آیه هم در مورد غنائم جنگی است؛ نه ارباح مکاسب و تجارت، که شیعه به آن معتقد است. اما ادله شیعه بر نقد ادله اهل سنت عبارت است از: ۱. اولاً بیش از یک آیه در مورد خمس در قرآن آمده است؛ ثانیاً بر فرض وجود فقط یک آیه درباره وجوب خمس، مگر فریضه مهم حج با بیش از یک آیه ثابت است که خمس با یک آیه ثابت نشود؛ ۲. روایاتی که شیعه بر مبنای آنها به پرداختن خمس معتقد است؛ ۳. روایاتی که اهل سنت خود در پرداختن خمس به آنها اشاره کرده‌اند و ۴. اجماع مسلمانان بر پرداختن خمس، از دلائلی است که شیعه در جواب اهل سنت و به‌ویژه وهابیت می‌آورد. پژوهش حاضر با بررسی آیات و روایات خمس، از سویی ادله شیعه را آورده و از سوی دیگر ادله اهل سنت را سنجیده است. نتیجه اینکه، در مقابل ضعف و مضطرب بودن ادله اهل سنت، استحکام ادله شیعه در مورد پرداختن خمس به عنوان واجبی شرعی، ثابت و مشخص است.

واژگان کلیدی

ادله شیعه، ارباح مکاسب، اهل سنت، تجارت، خمس تطبیقی، وهابیت.

۱. طرح مسئله

اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حقوقی بر گردن مردم دارند که برخی از آنها عبارتند از:

الف) حق مودت و محبت: پیامبر اکرم برای اهل بیت خویش نوعی محبت خاص قائل بودند، به طوری که در آیات شریفه قرآن نیز به آن اشاره شده است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳)؛

ب) حق صلوات و درود بر ایشان: طبق آیات شریفه قرآن کریم، یکی دیگر از حقوق اهل بیت نبی اکرم بر مردم، صلوات فرستادن بر ایشان است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶) و

ج) حق پرداخت خمس به ایشان: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال: ۴۱).

چنانکه مشاهده شد، طبق نص صریح آیات کریمه قرآن که مؤید روایی هم دارد، یکی از حقوقی که مردم باید در حق اهل بیت عصمت پرداخت کنند، خمس است. اما متأسفانه اهل سنت و به ویژه وهابیان با نصوص قرآنی و روایی که در زمینه خمس است، نه تنها مخالفند و آن را ادا نمی‌کنند، بلکه به هر نوعی با القای شبهه، سعی دارند پرداخت‌کنندگان خمس را نیز از پرداخت خمس منحرف کنند (عطایی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۸۷). ما در ادامه به صورت مختصر به مبانی و ادله ایشان اشاره و ادله شیعه بر رد دلایل ایشان را نیز مطرح می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در مورد وجوب خمس بین مذاهب اسلامی هیچ اختلافی نیست و تمامی مذاهب اسلامی مبنی بر آیه خمس (غنیمت)، وجوب آن را می‌پذیرند. اما اختلاف مذاهب با یکدیگر بر سر این مسئله است که آیا وجوب خمس، گسترش و تسری‌پذیر به دیگر موارد^۱ هم می‌شود یا خیر. شیعه معتقد است که وجوب خمس، منحصر در غنایم جنگی نیست و به دیگر موارد هم سرایت می‌کند (حاج شیخی، ۱۳۸۹: ۳۰). اما نظر کلی مذاهب در غیر مورد غنیمت چنین است:

۱. در مورد معدن، غیر از امامیه، حنفیه نیز قائل به وجوب اخراج خمس شده است (البته در حد نصاب کمی با هم اختلاف دارند)؛
۲. مالکیه، شافعیه و حنابله ضمن رعایت نصاب، زکات را در معدن واجب دانسته‌اند؛
۳. تمامی مذاهب در مورد گنج‌های زمین قائل به پرداخت خمس شده‌اند که شیعه قائل به اعتبار نصاب است، ولی مذاهب حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی نصاب را معتبر نمی‌دانند؛

۴. شیعه منفرداً در موارد ذیل قائل به پرداخت خمس است، ولی مذاهب دیگر معتقد به عدم پرداخت خمس در این موارد هستند:
الف) آنچه به وسیله غواصی به دست می‌آید؛
ب) مال حلال مختلط به حرام؛
ج) زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد و
د) ارباح مکاسب و فوائد (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۸۶-۱۸۸).^۲

۱. موارد خمس عبارتند از هفت مورد: الف). فی غنایم دارالحرب؛ ب). الکنز؛ ج). المعادن؛ د). الغوص؛ ه). ارباح التجاره، و. ارض الذمی اذا اشتراها من مسلم؛ ز). المال الحلال اذا اختلط بالحرام (کاشانی، منتقد المنافع فی شرح المختصر النافع، کتاب الخمس: ۱۶۳).

۲. خمس ارباح مکاسب از زمان حضرت رضا و جواد و هادی علیهم‌السلام مطرح شده است و در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و

۲. ادله اهل سنت به‌ویژه وهابیت در منع خمس

هر چند اهل سنت به آیات و روایات خمس اذعان دارند و آن را از حقوق اهل بیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند، از پرداخت آن به بهانه‌های مختلف سر باز می‌زنند. آنها ادله ویژه و محکمی در زمینه منع پرداخت خمس ارائه نکرده‌اند، ولی در مجموع می‌توان ادله ایشان را چنین برشمرد:

۱. خمس یک بار بیشتر در قرآن نیامده است؛
۲. منظور از آیه خمس، غنایم جنگی است که از کفار به دست می‌آید؛
۳. ائمه شیعه، خمس را بر شیعیان بخشیده‌اند^۱ و
۴. در اسلام چیزی به عنوان خمس کسب و کار وجود ندارد (درویش، ۱۰۳: ۱۳۸۲-۱۰۸).

۱.۲. نقد و بررسی ادله اهل سنت و وهابیت در منع خمس

در ادامه به اختصار به دلایل اهل سنت و وهابی‌ها بر منع خمس، جواب داده می‌شود:

۱. اینکه مخالفان خمس گفته‌اند فقط یک آیه در رابطه با خمس در قرآن وجود دارد، صحیح نیست؛ بلکه آیه خمس بیشتر از یک بار در قرآن آمده است.^۲ برای نمونه آیه هفت سوره حشر نیز به خمس اشاره دارد.^۳ اما بر فرض که یک آیه در قرآن برای بیان خمس وجود داشته باشد، آیا آیه‌ای که در معجزه جاوید نبی مکرم اسلام از سوی خالق واحد، برای بشریت نازل شده است، برای بیان حکم تکلیف کفایت نمی‌کند؟ مگر برخی از احکام

علی رضی الله عنه جایی نمی‌یابیم که اسم خمس ارباح مکاسب باشد (منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۶: ۱۳۷).

۱. شایان ذکر است گاهی اهل سنت به روایاتی از کتاب‌های شیعه استناد می‌کنند که به نظر می‌رسد اهل بیت پرداخت خمس را به شیعیان بخشیده‌اند. مثلاً روایت سوم از باب ان الارض کلها للامام از کلینی، اصول کافی، ج ۱: ۴۰۹، ... و کل ما فی ایدی شیعتنا من الارض فهم فیہ محللون... / ... و قد طیبنا ذلک لشیعتنا... صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲: ۴۳، ح ۱۶۵۴، در ادامه مطالب به این شبهات جواب داده می‌شود.

۲. برای مراجعه به آیاتی که درباره خمس وارد شده است، می‌توان به کتب آیات الاحکام مراجعه کرد. برای نمونه می‌توان رجوع کرد به مقدس اردبیلی، زبدة البیان فی احکام القرآن: ۲۱۲.

۳. توضیح مختصری دارد که در ادامه ارائه می‌دهیم.

همچون حج تمتع با یک آیه اثبات نمی‌شوند؟ پس چه فرقی بین آیه حج و آیه خمس وجود دارد؟ حتی برخی از احکام مسلم اسلام مانند نماز آیات (که تمامی مذاهب آن را جزو واجبات می‌دانند)، آیه‌ای در قرآن ندارد، بلکه فقط مؤید روایی دارد. آیا کسی منکر نماز آیات است؟ پس به طریق اولی این استدلال که چون خمس یک آیه دارد، پس قابل اعتنا نیست، بسیار سست محسوب می‌شود؛

۲. به غیر از آیه خمس که به صورت مطلق به پرداخت خمس اشاره دارد و هیچ گونه تقیید و تخصیصی به غنایم جنگی ندارد، روایاتی هم که از خود اهل سنت نقل شده است، در بعضی موارد، اطلاق دارند و مطلق غنیمت و منفعت را شامل می‌شود و منحصر به غنایم جنگی نیست. برای مثال این روایت امکان ذکر دارد: *فی العنبر و اللؤلؤ الخمس فانما جعل النبی فی الرکاز الخمس*. یعنی در عنبر و لؤلؤ خمس است، ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در گنج، خمس قرار داده است (بخاری، ۱۴۲۷، باب ۶۵، مایستخرج من البحر، ذیل ح ۱۴۹۷: ۲۶۱). اما باز در نقد این شبهه باید افزود، کلمه "غنمتم" دو بار در قرآن آمده و هر دو هم در سوره انفال آمده که یکی همان آیه خمس و دیگری آیه ۶۹ است *(فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)*. اما در آیه ۶۹ منظور از «غنمتم» اصلاً در مباحث غنایم جنگی نبوده و نیست. آیا کسی از مفسران و صاحب‌نظران اهل سنت گفته که منظور از این کلمه در آیه ۶۹، غنایم جنگی است؟

این نکته را هم باید افزود که کلمه "غنم" در لغت، معنای بسیار وسیعی دارد، ولی در بیشتر واژه‌نامه‌ها به معنای دست یافتن به چیزی بدون مشقت آمده است و با مراجعه به کتب لغت شیعه و اهل سنت، این نتیجه حاصل می‌شود که هیچ دلیلی برای این نداریم که غنیمت را، فقط به معنای غنایم جنگی بگیریم (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۴۲۷)؛^۱

۱. حمیری، شمس‌العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم، ج ۸: ۵۰۱۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲: ۴۴۶؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۷: ۵۲۷؛ قرشی، قاموس قرآن، ج ۵: ۱۲۳ و ۱۲۴؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن: ۶۱۵.

از روایت است و ادامه روایت چون به ضرر آنها تمام می‌شود، از آوردن آن خودداری کرده‌اند. اما ادامه روایت چنین است:

«فَقَالَ يَا أَبَا سَيَّارٍ قَدْ طَبَّبْنَا لَكَ وَأَحْلَلْنَاكَ مِنْهُ فَضُمَّ إِلَيْكَ مَالَكَ وَكُلُّ مَا فِي أَيْدِي شِيعَتِنَا مِنَ الْأَرْضِ فَهُمْ فِيهِ مُحَلَّلُونَ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا فَيَجْبِيهِمْ طَسَقَ مَا كَانَ فِي أَيْدِيهِمْ وَيَتْرَكَ الْأَرْضَ فِي أَيْدِيهِمْ وَأَمَّا مَا كَانَ فِي أَيْدِي غَيْرِهِمْ فَإِنَّ كَسْبَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ حَرَامٌ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا فَيَأْخُذَ الْأَرْضَ مِنْ أَيْدِيهِمْ»^۱.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود امام فرموده‌اند آنچه در دست غیر شیعیان است و از طریق کسب به دست آورده‌اند، برای ایشان حرام است. حال سؤال این است که آیا اهل سنت و در رأس آنها وهابیان، فقط بخشودگی خمس شیعیان توسط امامان معصوم را دیده‌اند و اکتساب حرام خویش را نادیده انگاشته‌اند؟

۴. در جواب این استدلال که گفته‌اند خمس کسب و کار در اسلام وجود ندارد، باید گفت: همین آیه شامل منفعت کسب و کار هم می‌شود یا دست کم منفعت کسب و کار را نفی نمی‌کند. اما در مجموع دو جواب حلی و نقضی به این اشکال داده می‌شود. اما جواب حلی این است که، همین روایتی که برای بخشودگی خمس شیعیان آورده‌اند، به صراحت به منفعت کسب و کار اشاره دارد، زیرا آنچه که از معادن، نفت و ... از زمین استخراج می‌شود، آیا منفعت کسب و کار محسوب نمی‌شود؟ در روایت مورد نظر «من الارض» هم به همین نکته اشاره دارد.

اما جواب نقضی اینکه، مگر زکات مال التجاره و زکات حقوق^۲ و ... در اسلام واجب است که شما فتوا داده‌اید مال التجاره و اوراق نقدی این زمان به منزله طلا و

۱. کلینی، الکافی، ج ۱: ۴۰۸.

۲. زکات ۹ چیز واجب است: گوسفند، گاو، شتر، طلا، نقره، گندم، جو، خرما و کشمش و بنابر قول مشهور، زکات مال التجاره، املاک و زیور آلات زنانه و ... مستحب است (طباطبائی، العروة الوثقی، کتاب الزکاة فصل فیما یتحب فیہ الزکاة، ج ۲: ۹۹)

نقره^۱ و زکاتشان واجب است؟ چگونه زکات این موارد که حتی اشاره غیر مستقیمی هم در قرآن ندارد واجب شده، اما خمس که دو آیه صریح در قرآن دارد، واجب نیست؟^۲

اما نتیجه کلی که از مباحث فوق حاصل می‌شود این است که غنیمت، معنای وسیعی دارد و هر گونه منفعت و درآمد را شامل می‌شود. زیرا معنای لغوی غنیمت، عمومیت دارد و دلیل روشنی هم برای تخصیص آن در دست نیست. اما تنها نکته‌ای که مفسران اهل سنت بر آن تأکید دارند، این است که آیات قبل و بعد از آیه خمس درباره جهاد است و همین قرینه‌ای است که کلمه غنیمت و به تبع، آیه مورد نظر، در مورد غنایم جنگی باشد. اما این صحیح نیست، زیرا شأن نزول و نیز سیاق عمومیت، آیه را تخصیص می‌زند یا به عبارت دیگر حکم کلی، ولی مصداق جزئی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۸۰).

۱. و حکم من ترک زکاة العملة الورقیة و عروض التجارة، حکم من ترک زکاة الذهب و الفضة لانها حلت محلها و قامت مقامها (بن باز، تحفة الاخوان: ۱۷۲-۱۷۱) شایان ذکر است در ادامه او بلافاصله فتوا داده، کسی که زکات پرداخت نکند در حکم کفار است! درانتها باید افزود که زیدیه که از فرقه‌های شیعه محسوب می‌شود، در فقه به حنفی‌ها نزدیک شده و فتاوی ایشان با احناف بیشتر مطابقت دارد تا با شیعه، از این‌رو در بحث زکات مال‌التجاره نیز مطابق اهل سنت فتوا داده‌اند (بدرالدین، حسین، شفاء الاوام فی احادیث الاحکام، ج ۱: ۵۵۰-۵۵۲؛ الجلال، حسن بن احمد، ضوء النهار المشرق علی صفحات الازهار، ج ۲: ۲۹۰).

۲. یک نکته شایان ذکر در زمینه اختلاف شیعه با اهل سنت در پرداخت خمس زمینی است که ذمی از مسلمان بخرد که شرح آن به این صورت است که: زمینی که ذمی از شخص مسلمان بخرد، به‌جز شیخ طوسی، قدمای شیعه، در آن، سکوت کرده‌اند. اما شیخ طوسی و متأخران به استناد برخی از روایات، پرداخت خمس آن را لازم دانسته‌اند. این مسئله در فقه اهل سنت، در باب زکاة به این کیفیت طرح شده که اگر زمین عشریه (ارض زکاة) را، شخص ذمی از مسلمان بخرد، ابویوسف در آن دو عشر، یعنی دو برابر زکاة که با مقدار خمس منطبق می‌شود، و محمد بن حسن شیبانی یک عشر زکاة دانسته‌اند. ابوحنیفه گفته است: به زمین خراج منقلب می‌شود. اما شافعی می‌گوید: نه عشر و نه خراج، هیچ کدام بر وی واجب نیست. برخی از متأخران احتمال داده‌اند که روایت وارده در این مسئله بر طبق فتاوی اهل سنت بر سبیل تقیه صدور یافته و یا مراد از آن، همان دو عشر زکاة است نه خمس (همدانی، رضا ابن محمد، مصباح الفقیه، ج ۳: ۱۳۲؛ شیخ طوسی، ابوجعفر، الجمل و العقود فی العبادات، ترجمه واعظ زاده: ۲۸۷).

۳. ادلة پرداخت خمس

در مورد نصوصی که در زمینه پرداخت خمس آمده است، می‌توان به آیات شریفه قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت اشاره کرد.^۱

۱.۳. آیات قرآن در مورد خمس^۲

الف). «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال: ۴۱)؛^۳

ب). «مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رُسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷)؛^۴

۱. در بحث ادلة خمس آثار بسیاری نگاشته شده است که ادله‌ای را برای وجوب خمس بر شمرده‌اند، به این قرار:

کتاب، سنت و اجماع. شیخ انصاری، کتاب الخمس: ۲۲.

۲. در کتب تفسیری به آیات خمس اشاره شده است که برخی از این تفاسیر به نکاتی اشاره کرده‌اند که جای مطالعه دارد، برای همین به برخی از این تفاسیر اشاره می‌کنیم: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ۸۳۵؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۵: ۲۰۱؛ فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱: ۲۵۶.

۳. و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] - روزی که آن دو گروه با هم روبه رو شدند - نازل کردیم، ایمان آورده‌اید. و خدا بر هر چیزی تواناست (فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن).

۴. آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بپذیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت‌کیفر است. البته باید دقت داشت بعضی معتقدند فیء و غنیمت یکی است. نیز گفته شده است که این آیه با آیه قبلی نسخ شده است (شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵: ۱۲۲) آیات دیگری که به خمس اشاره

۲.۳. روایات شیعه در پرداخت خمس

روایات موجود در زمینه وجود و جوب پرداخت خمس زیاد هستند و ما به اختصار به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف). یکی از تجار خراسان از امام رضا علیه السلام در مورد خمس می‌پرسد و ایشان جوابی می‌نویسند که مختصر روایت این است: **إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنُنَا عَلَى دِينِنَا وَعَلَى عِيَالِنَا - وَعَلَى أَمْوَالِنَا وَمَا نَبْدُلُهُ وَنَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ - فَلَا تَرَوْهُ عَنَّا وَلَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ - فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ - وَتَمْحِصُ ذُنُوبَكُمْ - وَمَا تَمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمٍ فَاقْتِكُمْ - وَالْمُسْلِمُ مَنْ يَفِي لِلَّهِ بِمَا عَهَدَ إِلَيْهِ - وَلَيْسَ الْمُسْلِمُ مَنْ أَجَابَ بِاللِّسَانِ - وَخَالَفَ بِالْقَلْبِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ح ۱۲۶۶۵: ۵۳۸)؛**

ب). **قَوْلُهُ «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ» فَجَعَلَ لِلَّهِ خُمُسُ الْغَنَائِمِ - وَالْخُمْسُ يُخْرَجُ مِنْ أَرْبَعَةِ وُجُوهِ - مِنَ الْغَنَائِمِ الَّتِي يُصِيبُهَا الْمُسْلِمُونَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ - وَمِنَ الْمَعَادِنِ وَمِنَ الْكُنُوزِ وَمِنَ الْغَوْصِ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹: ۴۹۰).**

این آیه فرمایش خداوند درباره آیه خمس است که برای غنایم قرار داده است. و خمس مواردی دارد که عبارت است از غنایمی که مسلمانان از مشرکان (در اثر جنگ) به دست می‌آورند یا از معادن یا از گنج‌ها یا از دریاست؛

دارد البته با اختلاف کمی بین علما، عبارتند از «و آت ذا القربى حقه و المسكين و ابن السبيل ...» (الاسراء: ۲۶) و «يستلونك عن الانفال قل الانفال لله و الرسول ...» (انفال: ۱) و ...

۱. ما به وسیله خمس دین را یاری نموده و نیازهای کسانی که سرپرستی آنها بر عهده ما است را تأمین می‌کنیم و آبروی خود را در مقابل دشمنان حفظ می‌کنیم. پس تا قدر امکان خمس را از ما دریغ نکنید و خویشتن را از دعای خیر ما محروم نسازید و بدانید که پرداخت خمس، موجب گشایش رزقتان و مغفرت گناهانتان و ذخیره آخرتتان خواهد بود. مسلمان کسی است که به عهد خود با خدا وفا کند، نه اینکه به زبان بگوید و در قلب مخالف باشد (باب وجوب ایصال حصه الامام من الخمس الیه).

۳.۳. روایات اهل سنت در پرداخت خمس

در صحیح بخاری بابی با عنوان "اداء الخمس من الدین" وجود دارد که به خمس اشاره کرده است، مضافاً اینکه در کتاب موطأ و ... ابوابی به خمس اختصاص یافته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف) از ابن عباس نقل شده، که گروهی از قبیله عبدالقیس خدمت نبی مکرم آمدند و عرضه داشتند: ای رسول خدا، بین ما و شما، کفار قبیله مضر قرار دارند و ما نمی‌توانیم نزد شما بیاییم، مگر در ماه حرام (که امنیت داشته باشیم). پس به ما دستوری بدهید تا به آن عمل کنیم و به کسانی هم که با ما نیامده‌اند اما تابع ما هستند، آموزش دهیم.

پیامبر رحمت فرمودند: شما را به چهار چیز امر و از چهار چیز نهی می‌کنم. ایمان به خدا، شهادت به لا اله الا الله، بر پاداشتن نماز و پرداخت زکات و روزه ماه رمضان و امر می‌کنم شما را به اینکه خمس هر چیز که به دست می‌آورد را پرداخت کنید ... (بخاری، ۱۴۲۷، ح ۳۰۹۵: ۵۴۴).^۱

این روایت به خوبی بیان می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حتی با توجه به شرایط سختی که آن قبیله برای رسیدن به پیامبر بیان داشتند، به آنها اهمیت پرداخت خمس را گوشزد می‌کنند؛

۱. (فنی صحیح البخاری فی باب أداء الخمس، من الدین) حدّثنا أبو النعمان حدّثنا حماد، عن أبي حمزة الضبعی، قال: سمعت ابن عباس رضی الله عنهما یقول: قدم وفد عبد القیس فقالوا: یا رسول الله انّ هذا الحی من ربیعة بیننا و بینک کفار مضر فلسنا نصل إلیک إلا فی أشهر الحرام فمرنا بأمر نأخذ منه و ندعو الیه من ورائنا قال: أمرکم بأربع و أنهاکم عن أربع، الايمان بالله شهادة أن لا إله إلا الله (و عقد بیده)، و أقام الصلاة، و إيتاء الزکاة، و صیام رمضان، و أن تؤدّوا لله خمس ما غنمتم. نیز عفانه (صحیح صحیح البخاری، ح ۱۳۱۱: ۱۳۴؛ عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، در ذیل باب اداء الخمس یاد شده است).

ب) و فی الرکاز الخمس. یعنی در گنج، خمس است. (مالک، ۱۴۲۵، ح ۹: ۱۴۹) سؤال مهمی که باید در اینجا پرسید، این است که آیا به گنجی که از اعماق زمین یافت می‌شود، غنیمت جنگی گفته خواهد شد؟

ج) بخاری از عایشه نقل می‌کند که حضرت زهرا (علیها السلام) از ابوبکر خمس خبیر را مطالبه کرد، ولی ابوبکر امتناع کرد و چیزی به حضرت زهرا (علیها السلام) نداد. حضرت زهرا هم بر ابوبکر غضب کرد و تا زنده بود، با او صحبت نکرد. روایت مذکور حاوی این نکته است که پرداخت خمس، وجود داشته است و اهل سنت هم آن را قبول دارند، زیرا در صحاح خویش که به عقیده آنها اصح الکتب است نقل کرده‌اند، ولی امتناع از پرداخت خمس مطلب دیگری است (بخاری، ۱۴۲۷، کتاب‌المغازی، باب غزوة خبیر، ح ۴۲۴۱ و ۴۲۴۰: ۷۴۰)؛

د) ابوحنیفه معتقد است هر چه از طبیعت است، مانند آهن، سنگ، طلا و نقره، خمس دارد؟^۲

ه) به عقیده برخی از فرق اهل سنت گنج و معدن مثل طلا و نقره، مس، آهن و سایر فلزات و آنچه در زمین مدفون بوده و به دست آید، خمس دارد و واجب است خمس آن پرداخت شود؟^۳

و) روایتی دیگر اینکه: شخصی گنجی یافت و نزد امام علی (علیه السلام) آورد. امام فرمودند چهار پنجم آن مال تو و خمس آن مال ماست (بیهقی، بی‌تا، ج ۴: ۱۵۲-۱۵۷).^۴

۱. بخاری، صحیح، کتاب الزکاة، ح ۱۴۹۹: ۲۶۲؛ مالک، موسوعه شروح الموطأ، ج ۸، شماره ۵۸۷: ۲۹۹؛ باب زکاة الرکاز، النسائی، سنن النسائی، باب ۲۸ المعدن، ح ۲۴۹۵ و ۲۴۹۶ و ۲۴۹۷: ۴۲۲؛ الترمذی، سنن الترمذی و هو الجامع الصحیح، باب فی الرکاز الخمس، حدیث ۶۴۲: ۲۳۱.
۲. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۲: ۱۱۷.

۳. الجزیری، سیدمحمد غروی و یاسر مازح، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت، ج ۱: ۷۹۳.
۴. البته این روایت را برخی از فقهای اهل سنت به الفاظ مختلف نقل کرده‌اند، که یکی از این نقل‌ها با این عبارت است: ان کنت وجدتها فی قرية لیس تؤدی خراجها قرية اخرى فلک اربعة اخماس و لنا الخمس ثم الخمس لک.

۴.۳. اجماع مسلمین

یکی دیگر از دلایلی که برای وجوب خمس می‌توان بر شمرد، اجماع فقهای اسلام است. البته این اجماع، شقوق متفاوتی دارد که می‌توان به کتب مفصل مراجعه کرد. کلمات فقها نیز در این باب مختلف است، ولی ما سعی کردیم نظر کلی در این باب را به صورت مختصر ارائه دهیم:

فلا شبهه فی وجوبه بل هو فی الجملة محلّ إجماع المسلمین کافه بل یمکن دعوی الضرورة علیه. (کاشانی، ۱۴۲۳: ۱۶۳).^۱ به اجماع مسلمانان هیچ شبهه‌ای در وجوب خمس نیست. البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اهل سنت نیز برای وجوب خمس، به اجماع فرقه استدلال کرده‌اند. اما منظور ایشان فقط در باب خمس غنایم است.

نتیجه‌گیری

از مطالب فوق این نتیجه حاصل می‌شود که مبحث خمس در مکتب اسلام، حقیقت انکارناپذیری است و هیچ فرقه و مذهبی نباید آن را نادیده انگارد، زیرا مستندات آن اگر به تواتر نباشد، کمتر از تواتر نیست. به شهادت تاریخ و همچنین گفته‌های اهل سنت، خمس یکی از فرایض اصلی دین اسلام است که تخطی از آن موجب وقوع در حرمان می‌شود.

اما اهل سنت با وجود روایاتی در کتب جوامع صحیح خویش، باز بر عقیده عدم پرداخت خمس پافشاری می‌کنند. مضافاً اینکه وهابیت در جهان امروز با دیده نقد بر این نکته تأکید می‌کند که علمای شیعه مردم را به زور مجبور به پرداخت خمس می‌کنند، حال اینکه چنین چیزی نه تنها صحت ندارد، بلکه افترا بی‌بسیار است. امر خمس هم مانند دیگر

۱. مجلسی اول محمد تقی، لوامع صاحب قرانی یا شرح فقیه، ج ۵: ۵۵۵. برخی از فقهای اهل سنت نیز بر خمس غنایم، اجماع فرقه را نیز به عنوان دلیل ذکر کرده‌اند (منتظری، کتاب الخمس و الانفصال: ۲۵۵/ همو، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۶: ۹۴؛ سیفی مازندرانی، دلیل تحریر الوسیله - الخمس: ۲۴)

اوامر شارع مفترض‌الاطاعه است که مؤمنان با میل و علاقه به انجام فرایض الهی، آنرا انجام می‌دهند و هر کس در برابر عمل خویش مسئول است.

از نکات ضروری و نیز موارد اختلافی بسیار مهم بین شیعه و اهل سنت، اختلاف در تعلق گرفتن خمس به ارباح مکاسب است، که شیعه موافق با پرداخت این خمس است، ولی اهل سنت مخالفت می‌کنند و هر کدام نیز ادله خود را بر این مطلب اقامه کرده‌اند.

اما در طول تاریخ، شیعه سعی کرده است همیشه قول سدید و حسن را به زبان بیاورد و از نصوص قرآنی و سنت نبوی و سیره معصومان هم استفاده کرده است و اقوالی را که به فتوای پرداخت خمس منجر می‌شود در معرض استفاده مسلمانان قرار داده است، خواه مکلفان استفاده و به سبیل هدایت، مشی کنند و خواه این راه را وانهند.

«فَبَشِّرْ عِبَادَ (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ

هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸).

پس بشارت باد بر (بندگان) کسانی که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را

پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم، خط عثمان طه.

۱. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*، مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر.
۲. اشتهااردی، علی پناه (۱۴۱۷ ه.ق). *مدارک العروة للاشتهااردی*، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر.
۳. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ه.ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبد الباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۷ ه.ق). *صحیح البخاری*، ضبط محمد علی القطب و هشام البخاری، بیروت، المكتبة العصرية.
۵. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله (۱۴۲۳ ه.ق). *تحفة الاخوان باجوبة مهمة تتعلق بركان الاسلام*، مملكة العربية السعودية، وزارة الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة و الارشاد.
۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی (بی تا). *سنن الکبری للبیہقی*، بی جا، بی نا.
۷. الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (۱۴۲۶ ه.ق). *سنن الترمذی و هو الجامع الصحیح*، راجعه محمد بربر، بیروت، المكتبة العصرية.
۸. الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ ه.ق). *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت*، تنظیم سید محمد غروی و یاسر مازح، بیروت، دارالتقلین.
۹. حاج شیخی، امیر (۱۳۸۹ ش). *کلیات خمس با بررسی تحلیلی خمس ارباح مکاسب*، تهران، راز نهران.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، مصحح گروه پژوهشی مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۱۱. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ه.ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم، مصحح حسین بن عبدالله العمری و مطهر بن علی الاریانی و یوسف محمد عبدالله، بیروت، دارالفکر المعاصر.
۱۲. درویش، صالح (۱۳۸۲). وحدت و شفقت صحابه و اهل بیت، ترجمه و نگارش عبدالله حیدری، بی جا، بی نا.
۱۳. راغب اصفهانی (۱۴۱۶ ه.ق). مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، الدار الشامیه، دمشق، دارالقلم.
۱۴. زبید، سید محمد مرتضی حسینی حنفی (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح علی شیری، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۵. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۷ ه.ق). دلیل تحریر الوسیله - الخمس، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ ه.ق). کتاب الخمس به اسم تراث شیخ الاعظم چاپ شده است، مصحح گروه پژوهش، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
۱۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه آقا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قیصر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ه.ق). من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۸۱). العروه الوثقی، قم، دارالتفسیر.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۱. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۲. عطائی اصفهانی، علی (۱۳۸۶). چرا؟ چرا؟ پرسش و پاسخ در مدینه منوره، قم، امیر العلم.
۲۳. عفانه، جواد موسی محمد، (۱۴۲۴ ه.ق). صحیح صحیح البخاری، عمان، المكتبة الوطنية.
۲۴. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۱۹ ه.ق). كنز العرفان فی فقه القرآن، تحقیق سید محمد قاضی، بی جا، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ه.ق). العین، محقق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، نشر هجرت.
۲۶. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن کریم.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. کاشانی، ملا حبیب الله شریف (۱۴۲۳ ه.ق). منتقد المنافع فی شرح المختصر النافع - کتاب الخمس، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی، مصحح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مالک، ابن انس (۱۴۲۵ ه.ق). موطأ، بروایه یحیی بن کثیر اللیثی القرطبی، تعلیق نجیب ماجد، بیروت، المكتبة العصرية.
۳۱. ————— (۱۴۲۶ ه.ق). موسوعه شروح الموطأ، التمهید و الستذکار لابی عمر یوسف ابن عبدالبر، القیس ابی بکر محمد بن عبدالله ابن العربی المالکی، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن التركي، بالتعاون عبدالسند حسن یمامه، القاهرة، مرکز هجر للبحوث و الدراسات العربیه و الاسلامیه.
۳۲. مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴ ه.ق). لوامع صاحب قرانی یا شرح فقیه، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳۳. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ه.ق). الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت، لبنان، دار التیار الجدید - دار الجواد.
۳۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ ه.ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، قم، مؤسسه کیهان.
۳۷. منتظری، حسین علی (بی تا). کتاب الخمس و الانفال، قم، (بی جا).
۳۸. النسائی، ابی عبدالرحمن احمد بن شعيب (بی تا). سنن النسائی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۹. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۲۴ ه.ق). فتح الباری شرح صحیح البخاری، بی جا، بیروت، المكتبة العصرية.
۴۰. همدانی، رضا بن محمد (۱۴۱۶ ه.ق). مصباح الفقیه، مصحح محمد باقری و نور علی نوری و محمد میرزائی و سید نورالدین جعفریان، قم، مؤسسه الجعفریه للتراث.
۴۱. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ ه.ق). الجمل العقود فی العبادات، ترجمه محمد واعظ زاده خراسانی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی مشهد.
۴۲. بدرالدین، حسین، (۱۴۱۶ ه.ق). شفاء الاوام فی احادیث الاحکام للتمییز بین الحلال و الحرام، و یلیه وبل الغمام حاشیة علی شفاء الاوام لمحمد بن شوکانی، یمن، جمعیة علماء الیمن.
۴۳. الجلال، حسن بن احمد (۱۴۰۵ ه.ق). ضوء النهار المشرق علی صفحات الازهار، و معه حاشیة الامیر علی الضوء المسماة منحة الغفار علی الضوء النهار، یمن، تحت اشراف مكتبة غضمان لاحیاء التراث الیمنی، مجلس القضاء الاعلی.